

بررسی نقش خمس در رفع فقر

مطالعه موردی: شهر شال قزوین

دکتر میثم موسایی^۱

یوسف کرمی^۲

(تاریخ دریافت ۸۷/۵/۱۰ - تاریخ تصویب ۸۷/۸/۱۵)

چکیده

عوامل مختلفی اعم از طبیعی یا غیر طبیعی در جامعه وجود دارند که مانع از تأمین درآمد لازم برای پوشش حتی حداقل هزینه‌های برخی از خانواده‌ها می‌شوند؛ عدم تعادل در آنها، اصلی‌ترین محمل برای زایش فقر خواهد بود. در دنیای امروز محدودیت منابع و گسترش انتظارات روزافزون نیز چشم‌انداز فعالیت‌های صورت گرفته در این عرصه را با موانع متعدد مواجه می‌سازد. فلسفه وجودی وجوهات شرعی خصوصاً نوع واجب آن، که از جانب شارع مقدس تشریح و از ضروریات دین و واجبات اولیه بعد از نماز محسوب می‌گردد، در نظام اسلامی عمدتاً معطوف به ترمیم این شکاف بوده است.

هرچند در جامعه ما گام‌های بلندی در این زمینه برداشته شده است اما توفیقی که مدنظر بوده در ترمیم آن شکاف حاصل نشده است. تنها راه مقابله با این بحران (توزیع صحیح درآمدها) بهره‌گیری از فرصت‌های بومی موجود در حوزه‌های مختلف جامعه است. از جمله این حوزه‌ها که می‌توان از آن بهره‌گرفت، وجوهات شرعی است که منبع مالی بسیار قابل توجهی را ایجاد خواهد کرد تا بتوان از آنها در ترمیم شکاف طبقاتی و رفع فقر بهره‌جست.

در این مقاله که حاصل یک بررسی میدانی در شهر شال قزوین است، میزان بالقوه وجوهات شرعی با تأکید بر خمس با فرضی مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که این منبع برای تأمین

۱- دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران، mousaaci@ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی اجتماعی

اجتماعی به معنای رفع فقر، نه تنها کفایت می‌کند بلکه با بکارگیری آن در جهت رفع فقر، خط فقر را نیز تا قریب ۶۰ درصد موجود بهبود خواهد بخشید.

کلیدواژه‌ها: تأمین اجتماعی، وجوهات شرعی، خمس، زکات، فقر.

مقدمه

با خلقت انسان، نیاز نیز همراه با او متولد شده و تلاش در پاسخ به نیاز، عمده فعالیت‌های انسان را سامان داده است. با همه پیشرفتی که در زندگی انسان به چشم می‌خورد، واقعیتی غیر قابل انکار مبنی بر عدم تغییر بنیادی در تأمین نیازهای اساسی بخشی از جمعیت جامعه، از ابتدا تا به حال همچنان خودنمایی می‌کند. هنوز هم تعداد قابل توجهی از انسان‌ها در تأمین آن دچار مشکل اساسی هستند. اگر چه امروزه در تمامی عرصه‌های اجتماعی، رویکرد پیشگیری بر درمان پیشی گرفته و ابعاد مختلفی برای سلامتی انسان تعریف شده و تلاش می‌شود تا نظام نوین سلامتی را به حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی وارد سازند، اما این رشد کیفی در تأمین بخشی از نیازهای جامعه دلیل کافی بر تأمین نیازهای اساسی همه آنها نیست. آنها برای تأمین حداقل نیازهای فیزیولوژیکی خویش در تنگناهای مشقت‌آوری بسر می‌برند که تلاش آنها برای چاره‌اندیشی، راه به جایی نبرده است. چون علل متعددی از قبیل محدودیت منابع، تفاوت استعدادها، نابرابری امکانات و فرصت‌ها و سایر عوامل طبیعی و غیرطبیعی، همه موانعی هستند که عبور از آنها برای خیلی از افراد یا جوامع به سهولت امکان‌پذیر نیست.

با توسعه فناوری اطلاعات عملاً عواملی چون رشد کیفی جمعیت، افزایش انتظارات و پیچیدگی زندگی، دشواری ساماندهی اوضاع نیازمندان جامعه را دو چندان ساخته است. با افزایش هزینه زندگی از یک طرف و محدودیت توان دولت در پاسخگویی به آنها از طرف دیگر، اندیشه یافتن منابع جدید در جهت پاسخگویی به این نیازها و یا حداقل بخشی از آنها از مجرای مشارکت هر چه بیشتر و بهتر مردمی، دغدغه بسیاری از متولیان گشته است؛ تا جایی که تنها نظام رفاهی پیش رو را به قول اندرسن^۱، (برانت، ۱۳۸۳) «از نظام مزایای تعریف شده به سمت نظام مشارکت

تعریف شده» تصور کرده‌اند که جز با حضور آگاهانه آحاد مردم چه در «شسته و رفته^۱» کردن مدیریت و چه استفاده «بهینه^۲» از امکانات، تأمین کننده منطقی نیازها نخواهد بود. اما در اقتصاد اسلامی علاوه بر بهره‌گیری از مدیریت کیفی فرصت‌های خاص، منابعی مانند وجوهات شرعیه اعم از واجب و مستحب وجود دارند که در صورت ایجاد فرهنگ و سازوکار لازم با شناسایی و اخذ و سازماندهی، می‌تواند منبع بسیار عظیم و مهمی که حاصل رفتار تکلیفی و اخلاقی افراد متمکن و منصف جامعه است در اختیار صندوق تأمین نیازهای نیازمندان اجتماعی قرار گیرد تا زمینه‌ساز یک زندگی آبرومندانه برای همه افراد ضعیف جامعه باشد.

طرح مسأله

مبارزه با فقر و نیازهای اجتماعی به منظور حفظ کرامت انسانی، آسایش اجتماعی، امنیت اقتصادی، آرامش روحی و روانی و انجام تکالیف دینی از بدیهیات غیر قابل انکاری است که مورد تأیید هر منطقی قرار داشته و سازوکارهای مختلفی که در رفع آن بکار گرفته می‌شود، حاصل تجارب طولانی بشر در زندگی جمعی است. در جوامع دارای ارزش‌های دینی و سنتی، غالباً با مداخله و مشارکت عوامل مرتبط با احساس مسئولیت‌پذیری، برخلاف جوامع مدرن غیردینی که تنها متکی به ابزار قانونی‌اند این معضل سامان می‌یابد. ما در جامعه خود شاهد بسیاری از معضلات اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت، طلاق، قتل و ... هستیم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم ریشه بسیاری از آنها از فقر و نیاز مادی افراد مبتلا به، ناشی می‌شود. تحمل فقر و نیاز از حدی به بالا عملاً غیرممکن می‌گردد و تاب و توان صبورترین افراد را خواهد ربود. امروزه بنا بر آمار ارائه شده از مرکز آمار بانک مرکزی قریب به ۲۰٪ جمعیت کشور ما در خوشبینانه‌ترین شرایط در ذیر خط فقر بسر می‌برند (فصلنامه آمار بانک مرکزی). توانایی دولت در تأمین نیاز این افراد، چه از محل منابع عمومی و یا از محل بازتوزیع ثروت، بسیار محدود و ناکافی است و بازتاب این ناتوانی در کاهش متوسط برخورداری در حوزه‌های مختلف مانند تغذیه، بهداشت، درمان، آموزش و تفریح به سهولت قابل مشاهده است. استفاده بهینه از امکانات با مدیریت صحیح منابع در فرآیند برنامه‌ریزی شرط لازم برای رفع فقر

۱ - Mean and Lean

۲ - Optimum

است، اما نمی‌توان همه فقر موجود در جامعه را حاصل بی‌برنامگی و یا بی‌تدبیری به حساب آورد. زیرا عامل عمده‌ای که امروز غالب دولت‌های رفاه نیز با آن دست به گریبانند، مشکل تأمین منابع مالی لازم برای اجرای برنامه‌های حمایتی به عنوان یک معضل عمومی است و همین تنگناست که زمینه تغییر در رویکرد دولت‌های رفاه از نظام مزایای تعریف شده به سمت نظام مشارکت تعریف شده را فراهم ساخته است. بر این اساس، با تقویت سرمایه اجتماعی که منبع کنش جمعی است، می‌توان به حل این معضل همت گماشت و اثرات آن را به حداقل رساند. جامعه ما علاوه بر وظیفه انسانی و اجتماعی - که از مشترکات انسانی در همه دنیا می‌باشند - دارای یک پتانسیل بسیار قوی و کارآمد و منحصر به فرد تحت عنوان تکلیف و وظایف شرعی تحت عناوینی مانند زکات، خمس، کفارات، نذورات و برخی از موقوفات و سایر انفاق‌های مستحبی است. بررسی وجود مقدار واقعی این منابع و مشخص کردن تعداد افراد نیازمند بر حسب خط فقر تعریف شده از سوی دولت و تعیین تناسب حاکم بین آن دو، می‌تواند متولیان امر را به این واقعیت واقف سازد تا زمینه لازم را جهت آگاه‌سازی مردم به این وظیفه مهم شرعی و تبعات پرداخت و یا عدم پرداخت آن‌ها فراهم ساخته و علاوه بر تزکیه اموال مردم و تعمیق باورهای دینی آنها در جامعه، چنگال بی‌رحمانه فقر نیز از حلقوم مستمندان قطع گردد.

روش تحقیق

در این مقاله از روش اسنادی با مراجعه به منابع و حیانی و روایی و بررسی استنباطات فقهی جهت دستیابی به مبانی نظری مطمئن مربوط به وجوهای شرعی استفاده شده و برای مطالعه میزان بالفعل و بالقوه این منبع عظیم در یک مطالعه میدانی با انتخاب جامعه مربوط به شهر شال از استان قزوین، اطلاعات گردآوری و تجزیه و تحلیل شده است. نمونه مورد مطالعه حدود ۱۰٪ از خانوارهای جامعه اصلی را تشکیل می‌دهد که با احتمال ۹۵٪ نتایج آن قابل تعمیم به جامعه اصلی است.

بررسی ادبیات موضوع و چارچوب نظری

در جوامع اسلامی زندگی افراد به عناوین مختلف با آموزه‌های دینی عجین شده است به نحوی که رفتار افراد معتقد و ساکن در ساحت آن نمی‌تواند خارج از دستورات، توصیه‌ها و یا حداقل ملاحظات دینی، مجال بروز کارآمد داشته باشد. زیرا افراد جامعه دینی بطور کلی یا تحت

الزامات اعتقادی خویش از قبیل محرمات، واجبات و مستحبات و مکروهات قرار داشته و یا تابع اقتضانات اجتماعی جامعه دینی خویش می‌باشند (حسین قافی، ۱۳۸۵: ۳۱ و موسایی ۱۳۸۶ الف). به هر صورت آگاهی از کلیات حاکم بر جامعه و نحله‌های فکری مطرح در آن و مهمتر از آن توجه وافر غالب ادیان به مقوله عدالت و اهتمام آنها در رفع مشکلات طبقه پایین جامعه می‌طلبد تا بررسی هرگونه سیاست رفاهی در آن با هماهنگی از امر و نهی‌های دینی صورت پذیرد. در جامعه دینی به عنوان یک تئوری سیاسی تمایزات خاصی در این زمینه نسبت به سایر نحله‌ها وجود دارد. چون فروع و احکام اسلامی خود بر سه اصل عدم حرج، تقلیل تکالیف^۱ و تدریج^۲ استوار است (گرگی، ۱۳۷۵: ۱۸ و موسایی ۱۳۸۴ و ۱۳۷۹). از آنجائیکه هدف همه ادیان، تربیت انسان است (مطهری، ۱۳۸۵ ص ۵۰) توزیع مجدد در قالب وجوهات شرعی یک تکلیف است. برخلاف جوامع مدرن، که چنین مسئولیتی به شکل قانون تعریف می‌شود، در جامعه دینی احکام تکلیفی متناظر به حکم شرعی، حکم قانون خواهد داشت که ترک آن علاوه بر ضمان شرعی، نوعی جرم قانونی و قابل پیگرد خواهد بود، از آن گذشته مهمترین وجه تمایز جوامع اسلامی با جوامع دیگر را می‌توان در گرایش‌ها و بینش‌های افراد آن جوامع و بازتاب‌های آن بینش‌ها در اعمال افراد جستجو کرد (انصاری، ۱۳۷۸: ۱۰۹ و موسایی ۱۳۸۶ ب). در دین مبین اسلام این تکالیف با نام‌های مختلف تحت عنوان وجوهات شرعی که خود در دو بخش واجب و مستحب شناخته شده و در بیشتر منابع تحت عنوان انفاق یا صدقه اسم برده می‌شوند.

یکی از حکمت‌های وضع وجوه شرعی و دستورات اخلاقی اسلام در مورد انفاق، رفع نیازهای فردی و اجتماعی در جامعه است. آنچه تأثیر توزیعی مالیات‌ها و انفاق‌ها را در جامعه استحکام می‌بخشد، این است که یکی از عوامل زمینه‌ساز برای مالک شدن در اسلام، نیاز افراد می‌باشد؛ بدین معنا که برای فقرا و درماندگان از درآمد و دارایی ثروتمندان سهمی در نظر گرفته شده

۱- تقلیل تکالیف: با توجه به اهمیتی که انسان در نگاه اسلام دارد، انجام وظایف و تکالیف شرعی او را نیز متناسب با وضعیت جسمی و پیرامون او قرار داده است. هرکجا که وضعیت جسمی و پیرامونی از یک شرایط کامل برخوردار است، انجام وظایف نیز کامل است، اما هرکجا آن‌ها نقصان برمی‌دارد، تکالیف نیز به تناسب آن کاسته می‌شود و یا شکل روان‌تری به خود می‌گیرد.

۲- تدریج: بعضاً وظایف انسان بخاطر شرایط خاص جسمی او یا پیرامون او، از چارچوب زمانی خود خارج و انجام آن به تدریج امکان‌پذیر می‌شود.

است که آنان را با صاحبان آن اموال شریک می‌گرداند (موسایی، ۱۳۸۶، ج). امام صادق (ع) می‌فرماید: «همانا خداوند تبارک و تعالی بین اغنیاء و فقراء در اموال، شرکت برقرار نموده است، پس برای اغنیاء جایز نیست که روی (به سوی غیر شرکایشان) برگردانند» (الحرالعالمی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۱۵۰).

البته با وجود اشتراک بین صاحب مال و فقرا، تسهیلاتی در نظر گرفته شده است. مثلاً به اغنیاء این حق داده شده که سهم فقرا را خودشان جدا کنند ولی به هر حال چنین حقی موجب این نمی‌شود که شرکت مزبور از حقیقت شرکت خارج شود. در اینجا توجه به این نکته لازم است که اسلام تنها تأمین حداقل معیشت فقرا را در نظر نگرفته، بلکه تا آن مقدار از منابع تعیین شده به فقرا پرداخت می‌گردد که هم فقر شدید آنان زایل شود و هم کمبود درآمد آنان تأمین گردد تا به سطح معمول و متعارف زندگی اجتماعی برسند. در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «همانا خداوند عزوجل برای فقرا در اموال اغنیاء آن مقداری قرار داده است که آنان را کفایت می‌کند» (همان، ۵).

مبنای فلسفی چنین اشتراکی، مالکیت خداوند بر موجودات جهان است. همه چیز مخلوق او و در حیظه قدرت او می‌باشد و انسان به عنوان امانتدار خداوند باید هر چه را او دستور می‌دهد، اجرا کند. در سوره نور آیه ۳۲ می‌فرماید: «از مال خداوند که به شما اعطاء فرموده است به آنان (فقرا) بدهید.»

اثر توزیعی این وجوهات تأمین عدالت اجتماعی، رفع نیاز از نیازمندان و تعدیل ثروت در جامعه می‌باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰: ۳۴۹-۳۲۴ و موسایی، ۱۳۸۷). در حکومت‌های عرفی مبنای شکل‌گیری منابع درآمدی، قوانین موضوعه است. تأمین نیازها بر اساس قوانین خاص خود در قالب مالیات صورت می‌گیرد. در این گونه جوامع، مالیات را به نوعی باید هزینه مشارکت و حضور فرد در جمع متناسب با برخورداری‌هایش دانست. یکی از سیاست‌های توزیع مجدد درآمدها، سیاست‌های مالی است که از طریق هزینه‌های دولت جامعه عمل می‌پوشد. دولت‌ها بر اساس نظام مالیاتی تبعیضی، بخشی از درآمد عامل‌های فعال را با توجه به اهمیت آنها برداشت می‌کنند و به کمک آنها نیازمندی‌های عمومی را که معمولاً صاحبان درآمدهای کم با آن دست به گریبانند برطرف می‌کنند (منتظرظهور، ۱۳۵۴). در این گونه جوامع سقف پرداختی‌ها مبتنی بر تأمین نیازهای کمی تعریف شده است و هر گونه افزایش در پرداخت نیازمند تعریف سقف جدیدی از خدمات است، یعنی به نوعی بین مالیات اخذ شده و خدمات ارائه شده رابطه

ثابتی وجود دارد اما در حکومت دینی این قضیه کاملاً متفاوت و به نحو دیگری می‌باشد. براساس آموزه‌های اسلامی وظایف اغنیاء عبارت است از «ادای حقوق فقیران» و «سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال» و وظایف فقراء عبارت است از «کار و تلاش» و «پرهیز از اظهار تنگدستی». در این رابطه مولا علی (ع) می‌فرماید: «هرگاه توانگر از بخشیدن مال خود بخل ورزد، فقیر آخرتش را به دنیا خواهد فروخت» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سرمایه‌داران باید هزینه نیازمندان را پرداخت نمایند، این پرداخت اگر با رضایت و آگاهی باشد می‌تواند در قالب یک برنامه با بهره‌وری بالا و قابل قبول همراه گردد و آلا در صورت عدم پرداخت و یا پرداخت پراکنده و ناقص، بی‌شک نتایج ناخوشایندی از قبیل سرقت، کم‌کاری، و خرابکاری را در پی خواهد داشت. چنانکه مولا علی (ع) می‌فرماید: خداوند سبحان غذا و نیاز نیازمندان را در اموال ثروتمندان معین کرده است، پس هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر به واسطه این که ثروتمندان از حق آنان بهره‌مند شده‌اند و خداوند آنان را برای این عمل مؤاخذه خواهد کرد (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰).

وجوهات در نظام دینی باید با برنامه توزیع شود تا اولویت پوشش فقر جامعه در آن لحاظ گردد، اگر امام از کسی زکات را مطالبه کند و او به امام نپردازد و به دیگری پرداخت کند، زکات بر ذمه او است زیرا زکات فقط یک مالیات صرف نیست، بلکه یک عمل عبادی هم محسوب می‌شود. عبادتی که جنبه اجتماعی آن دارای اهمیت خاصی است و تشخیص امام به عنوان حاکم نسبت به اقتضائات جامعه اولی بر تشخیص فرد در این زمینه است. عبادی بودن مواردی مانند زکات در نظام دینی باعث می‌شود که افراد خود داوطلبانه نسبت به پرداخت آن اقدام کرده و هزینه جمع‌آوری صفر باشد. به علاوه به مقدار واقعی هم پرداخت شده و فرار مالیاتی به نازل‌ترین سطح خود می‌رسد و این کارایی نظام مالیاتی اسلام را نشان می‌دهد. در کنار این موارد می‌توان اشاره داشت اگر کسی زکات خود را نپردازد، در صورت از بین رفتن عین آن، دگر بار باید از مال خود جدا و به امام پرداخت کند (محمدحسن نجفی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۵: ۴۲۱).

دولت اسلامی و عدالت اجتماعی

دولت اسلامی در رابطه با تأمین نیاز جامعه وظیفه سنگینی دارد، در حدی که جمیع حاجات فروماندگان از بازار کار را در تمامی جهات متکفل می‌گردد. مالیاتی که دولت اسلامی جهت تأمین هزینه‌ها از افراد اخذ می‌نماید، دو نوع است:

الف- مالیات‌های اولی که در احکام اولیه اسلام معین شده و ثابت می‌باشند، مثل خمس و

زکات.

ب- مالیات‌های ثانوی یا حکومتی، که در صورت عدم تکافوی مالیات‌های اولی، تعیین و اخذ می‌گردد.

مسئولیت و ضمانت دولت در این موارد "ضمان اعاله" یعنی تهیه وسایل و لوازم زندگی افراد، به طور مکفی است. مفهوم مکفی، مفهومی وسیع، قابل انعطاف و نسبی است که از امکانات حداقلی شروع و به تناسب حداکثری تعیین می‌گردد و به همین جهت نمی‌توان بطور مطلق برای آن حداقلی و یا حداکثری بکار برد، چون به تناسب سقف رفاه جامعه، سطح آن در حد فاصل حداقل تا حداکثر مشخص می‌شود. هر چه درجه رفاه و آسایش عمومی بیشتر شود، مفهوم فوق گسترش می‌یابد و دولت باید حاجت‌های اصلی و عمومی مثل غذا، مسکن و لباس را تأمین کند. امثال این حاجت‌ها باید از لحاظ کمیت و کیفیت با توجه به شرایط روز کافی و شایسته باشد؛ به علاوه حاجت‌های درجه دوم که بواسطه بالا رفتن سطح زندگی پیدا می‌شود را برطرف نماید (صدر، ۱۳۵۰: ۲۹۳).

پرداخت باید به اندازه‌ای باشد که هزینه متوسط یک ساله زندگی هر یک را تأمین کند. اگر زکات بیشتر از هزینه یک سال باشد، به حاکم برگشت داده می‌شود و اگر زکات تحصیلی کمتر از نیاز سالانه آنها بود، حاکم باید کمبود را از بیت‌المال جبران کند (منتظری، ۱۴۱۳: ۲۵۷). از نظر فلسفه اجتماعی اسلامی، حاکم در مقابل مردم مسئولیت دارد و استیفای حقوق را در جامعه یک وظیفه لازم شرعی معرفی می‌کند. (مطهری، ۱۳۵۶: ۱۸۰).

حضرت علی(ع) به این اصل حقوقی اعتقاد داشته که مشمولان زکات تا آن جا که فقیران مانند بقیه مردم بی‌نیاز شوند، باید زکات بپردازند. این اصل به حاکم امکان می‌دهد که در صورت عدم کفاف مالیات‌های ثابت، با استفاده از اختیارات قانونی خود در منطقه الفراغ، مالیات‌های بیشتری وضع کند. این نوع مالیات را در اصطلاح امروزی مالیات حکومتی می‌نامند (صدر، ۱۳۵۰، ۳۴۰-۳۵۰). ملاک اصلی در پرداخت وجوهات، حدنصاب تعیین شده شرعی نیست زیرا اگر حد نصاب وجوهات جامعه، برای زایل شدن فقر نیازمندان آن کافی نبود، حاکم می‌تواند متمولین را مکلف به پرداخت بیش از حد نصاب از محل اموال خویش نماید. شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید: «بر اساس مقتضیات زمان که باید مصالح عمومی بر مصالح شخصی ترجیح داده شود، ایرادی ندارد که فقیه جامع‌الشرایط دستور به اخذ مالیات دهد و حتی می‌تواند دستور به اخذ مالیات تصاعدی نیز بدهد» (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۵).

اهمیت پرداخت زکات

زکات را با فلسفه وجودی که برای آن به عنوان حق فقرا و محرومین در اموال اغنیاء ذکر کرده‌اند، می‌توان به عنوان مهمترین منبع درآمد تعاونی اسلام به شمار آورد که نقش مهمی در اداره جامعه مسلمین داشته و موفقیت‌های آینده آنان را پایه‌ریزی می‌نماید. روایات بی‌شماری که در فضیلت صدقات وارد شده همه حاکی از این است که در اسلام بیش از آنکه به زکات به عنوان مالیات توجه کنند، به عنوان یک منبع درآمد تعاونی توجه شده است (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۳۱۵).

آیا مراد از خمس همان یک پنجم زکات معادن است

نظری وجود دارد که با استناد به روایات و احادیث، زمینه مصرف مستقل از زکات را برای خمس قائل نیست و بجای اصطلاح شرعی، آن را تنها نام عددی از کسور متعارف می‌داند که بر زکات معادن اطلاق می‌گردد. شاید کلمه خمس که مراد از آن یک پنجمی است که از معادن و مستخرجات دریا گرفته می‌شود، در مقابل یک دهمی که از غلات و یا یک چهلمی که از سایر اموال گرفته می‌شود، این اشتباه را پیش آورده است که خمس را چیزی مستقل در مقابل زکات بگیرند و آن را اختصاص به مصرف خاص دهند و حال اینکه در رویه پیامبر (ص) و احادیث، معلوم است که مراد از آن مقدار «مایخرج منه» است که بعنوان زکات معادن مقدار یک پنجم از آن پرداخت می‌شود. از امام موسی کاظم (ع) سؤال شد آنچه از دریا بیرون می‌آید از مروارید و یاقوت و زبرجد و از معادن طلا و نقره، آیا در آن زکات است؟ حضرت فرمودند: همینکه ارزش آن به بیست دینار رسید در آن یک پنجم است (صدوق، ۱۳۶۷: ۱۵۸ و منتظری، ۱۳۵۲: ۳۹۴).

اصطلاح کلمه «خمس» که چیزی معنون باشد در ردیف زکات در آن زمان مانند عصر ما معمول نبوده است که گفته شود فلان چیز بر آن زکات است و بر فلان چیز خمس واجب است، زیرا کلمه زکات یک اصطلاح شرعی است. مانند نماز و حج که متضمن حقیقتی معلوم و معین است در صورتی که کلمه خمس نام عددی از کسور متعارفی است که هرگز در ردیف نماز و حج و زکات در نمی‌آید و هر وقت هم استعمال شده است در مورد غنائم جنگی به اصطلاح خمس یعنی یک پنجم غنائم بوده که باز نماینده عددی از کسور متعارفی است نه یک حقیقت شرعی (همان، ۱۳۵۲: ۳۹۶). از جمله مؤیدات اینکه خمس معادن همان زکات است که جزء

بیت‌المال مسلمین بوده و مصارف آن به اصناف هشتگانه می‌باشد، آن است که حد نصاب آن همان حد زکات است و صراحت احادیث نیز مبین همین معناست. حدیثی که شیخ طوسی آن را در تهذیب آورده، احمد بن محمد بن ابی نصر می‌گوید از امام رضا (ع) سؤال کردم آنچه از معدن بیرون می‌آورم کم یا زیاد باشد، آیا در آن چیزی واجب است؟ حضرت فرمودند: «در آن چیزی واجب نیست تا برسد به آن مقداری که در آن زکات است یعنی بیست دینار است» (منتظری، ۱۳۵۲: ۳۹۷). شیخ مفید ضمن نقل حدیثی از امام رضا (ع) می‌نویسد همین که از گنج یا معادن به مقداری استخراج شد که پس از وضع مؤونه قیمتش به مبلغ بیست دینار رسید در آن صورت یک پنجم آن زکات است که باید از آن خارج شود (همان، ۱۳۵۲: ۳۹۸).

درآمد کسب یا مطلق درآمد

موضوع خمس، درآمد کسب است. فقها در تعریف و حدود درآمد اختلاف نظر دارند؛ بعضی از آنها تنها سود و درآمد حاصل از هر نوع کسب را موضوع خمس می‌دانند و اما بعضی دیگر موضوع آن را وسیع‌تر دیده و علاوه بر مورد مذکور، هر نوع فایده ناشی از کسب و غیر کسب را مشمول خمس می‌دانند (طباطبائی حکیم، ۱۳۹۰: ۵۲۱)، اما آنهایی که خمس را به مطلق درآمد تسری می‌دهند، معتقدند: «خمس بر مازاد سودهای تجارت و دیگر کسب‌ها نظیر صنایع، کشاورزی، اجاره، خیاطی، نویسندگی، نجاری، صید، حیات مباحات، اجرت عبادات استیجاری (مانند روزه، نماز، حج و زیارت)، آموزش کودکان و سایر اعمال دارای اجرت، واجب است. بلکه احتیاط، وجوب خمس در مطلق درآمد است حتی اگر از طریق هبه، هدیه، جایزه، وصیت و غیر آن بدست آمده باشد» (طباطبائی یزدی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۹۸). همین‌طور امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله اشاره دارد که «درآمدی که از صناعات و کشاورزی سودهای بازرگانی و همچنین سایر کسب‌ها ولو از طریق حیات مباحات یا پرورش و تولید و یا به واسطه افزایش قیمت به دست می‌آید و به طور کلی هر چیزی که بواسطه کسب نصیب انسان می‌شود، مشمول خمس است. در اخراج خمس مواردی که داخل عنوان کسب نمی‌باشند، مانند هبه، هدایا، جوایز، میراثی که دور از انتظار می‌باشد و مالی که بواسطه صدقه مستحبی مالک می‌شوند، شایسته نیست احتیاط ترک شود. گرچه عدم تعلق خمس به غیر از ارباح مکاسب خالی از قوت نیست. چنانکه اقوی تعلق خمس به مطلق ارث و مهر و عوض خلع است، گرچه احتیاط در این موارد نیز نیکو است» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۵۶).

نظرات متفاوت در سهم امام

در رابطه با سهم امام در خمس دو دیدگاه وجود دارد و ریشه اختلاف این دو دیدگاه این است که آیا سهم امام از خمس، ملک امام است یا متعلق به منصب امامت است؟ اگر آن را ملک امام دانستیم - چنانکه مشهور فقها بر این نظرند - در این صورت یا باید پذیرفت که حق تصرف در آن را نداریم چنان که گروهی از پیشینیان معتقد بودند، یا اگر تصرف را مجاز شمردیم، آن وقت دلیل بر تصرف لازم است. اما اگر سهم امام را از آن منصب امامت دانستیم، نه ملک شخص امام در این صورت هر کسی که عنوان نیابت را داشته باشد، می‌تواند در آن تصرف نماید. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «مالکیت خداوند به معنای مالکیت در تصرف و ولایت می‌باشد. از آنجا که پیامبر(ص) و بعد از وفات او ائمه(ع)، جانشین خدا در زمین هستند، این ولایت برای آنها نیز وجود دارد و این مالکیت جعلی به خاطر منصب امامت و حکومت است. خمس ملک شخصی پیامبر و امام نیست و اگر چنین بود بعد از وفات به خانواده‌اش به ارث می‌رسید(امام خمینی، ۱۳۵۹: ۴۹۳).

سهم سادات از خمس

اما سه سهم دیگر از خمس که به یتیمان و مسکینان و ابن سبیل تعلق دارد. در دو بعد مصداقی و مقداری تفاوت نظر وجود دارد. یک نظر نیمی از خمس را سهم یتیمان و مسکینان و ابن سبیل اهل بیت (سادات) دانسته که عمده استدلال در این مورد، مانع بودن شأن و منزلت آنها در استفاده از زکات است. نظر دیگر مبنای توزیع سه سهم دیگر خمس بین یتیمان، مسکینان و ابن سبیل را اولاً فقر می‌داند نه چیزی دیگر و ثانیاً حق سادات را نیز همانند سایر فقرا دانسته و حق ویژه‌ای را برای آنها قائل نمی‌شود. فقط در توزیع این بخش، آنها را با توجه اینکه از زکات استفاده نمی‌کنند در اولویت قرار می‌دهد. در این رابطه امام خمینی(ره) می‌فرماید: «در مورد سهم سادات تردیدی وجود ندارد در اینکه سادات از مورد مصرف خمس است، (اما) نه اینکه آنها مالک جمیع سهام سه گانه باشند، زیرا شرط دریافت خمس، فقر است» (همان، ۴۹۰). از حیث حد استحقاق هیچ تفاوتی بین اهل زکات و خمس وجود ندارد و زکات را به قدری می‌توان به اهل استحقاق داد که مؤونه و مخارج او تأمین گردد در خمس هم به همین مقدار می‌توان به مستحق داد نه بیشتر، این عدل محض است. از این گذشته کسی نگفته است که خمس مخصوص

بنی هاشم است، منتهی در این قسمت بنی هاشم مقدم‌اند (موسوی غروی، ۱۳۷۷: ۳۷۴). اگر ما بپذیریم که نصف خمس ملک سادات است، بایسته است که ۱۰٪ از سود تمام افراد جامعه به اضافه کلیه معادن مانند نفت، گاز، طلا، نقره، گنج‌ها و غیره را به سادات فقیر بپردازیم، این پرداخت باعث می‌شود که سادات بدون کار و زحمت به سرمایه‌دارانی تبدیل شوند که نظیرشان در جامعه کم باشد. این تنبلی‌پروری و گسترش نابرابری و ناعادلانه‌سازی توزیع امکانات موجب اختلال در نظام اجتماعی خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۷۴ ج ۲: ۳۹۵). سیره امام علی (ع) در دوران حکومتش نشان می‌دهد که آن حضرت نه تنها نصف خمس را حق سادات نمی‌شناختند، بلکه آنها را به عنوان مورد مصرف ممتاز و اولی نیز بر نمی‌تابید و در برابر خواسته‌هایشان مقاومت می‌کرد، نمونه بارز آن رفتار امام با برادرش عقیل بود (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۹).

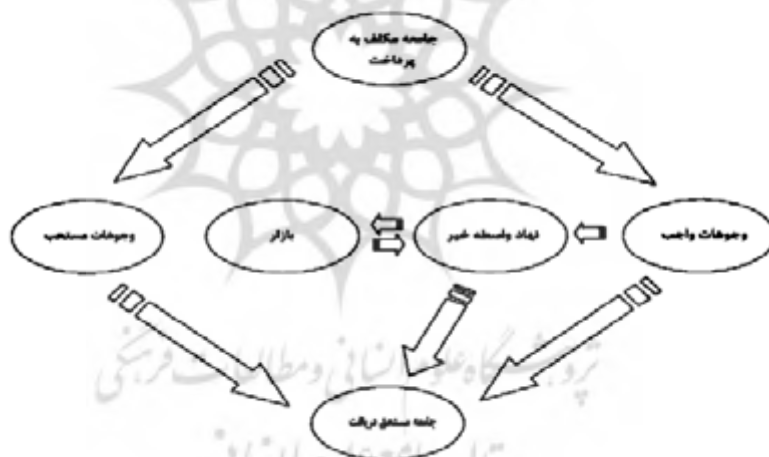
وجوهات واجب و مستحب شرعی در دو مسیر واسطه‌ای و بی‌واسطه به عنوان منابع لازم برای نیازمندان جامعه به حوزه واحدی از نیازهای اجتماعی واریز می‌شوند. وجوهات شرعی واجب که به محض تحقق شرایط نصاب، واجب‌الاداء می‌شوند، صرف‌نظر از نیاز یا عدم نیاز جامعه، باید پرداخت گردند. پرداخت این‌گونه وجوهات مستمر می‌تواند در افزایش کیفیت خدمات موجود در جامعه علاوه بر کمیت آن مؤثر باشد تا وضعیت زندگی طبقه نیازمند جامعه را متناسب با رشد توانمندی‌های متمولین جامعه افزایش دهد؛ یعنی بطور اتوماتیک پویایی طبقه بالای جامعه که معمولاً نسبت به طبقه میانی و پایین، وسیع و سریع‌تر است، به طبقات پایین‌تر منتقل نماید و خود، مایه تعادل و مانع شکاف طبقاتی بیشتر گردد.

مکانیسم دیگری که در نظام مالیه دینی به عنوان یک منبع مؤثر در تأمین نیازهای موجود در جامعه با آزادی عمل بیشتری مورد تأکید قرار دارد، وجوهات شرعی مستحب است. برداشت نادرستی که از این نوع وجوهات در جامعه وجود دارد، از اهمیت آن نزد افکار عمومی کاسته است؛ چرا که اکثراً استحباب موجود در این نوع وجوهات را به اختیاری بودن آن تفسیر می‌کنند، در حالی که هرگز چنین معنایی از آن ایفاد نمی‌شود. با عنایت به آیات و روایات زیادی که در این رابطه وجود دارد، وجوهات شرعی مستحب را به عنوان راهکاری جهت فقرزدایی می‌توان بکار بست. قرآن کریم و منابع روایی مسلمانان مملو از سفارشات مؤکد در مورد دستگیری و توجه خاص به محرومان جامعه است. در واقع باید وجوهات مستحب را به جای وجوهات اختیاری، وجوهات واجب کفائی نامید؛ زیرا ساقط شدن تکلیف از مکلف موکول به شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی است که در صورت اقدام دیگری در ادای آن،

تکلیف ساقط و در غیر این صورت ادای آن بر مکلف واجب است. احکام وجوهات واجب و مستحب دینی متکفل رسالت و مبین کارکردی هستند که چرخه حیات فردی را به زیباترین نحو ممکن در تشریک مساعی جمعی به نمایش می گذارند و بررسی هر یک از آنها می تواند دامنه وسیع تأثیرگذاری آنها در بهینه سازی شرایط فردی در حوزه جمعی را به تصویر بکشد تا به بهترین نحو به قول تونی فیتزپتریک، برابری نسبی را جایگزین برابری کمی نماید (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۵۰) و توزیع مجدد ثروت را در جامعه دینی مهیا سازد و به قول تافلر، ماهیت و روح حاکم بر تولید برای مصرف را بر تولید برای مبادله تحمیل نماید (تافلر، ۱۳۷۷: ۳۶۹).

جمع بندی مجموعه رویکردها در حوزه اندیشه دینی، در رابطه با شیوه تخصیص منابع حاصل از وجوهات شرعی، در جهت ساماندهی و تأمین نیاز افراد پایین درآمدی جامعه را در قالب اشکال ذیل می توان نشان داد:

نمودار شماره (۱): روند توزیع وجوهات مبتنی بر دیدگاه سنتی



نظرات برخی از فقها که قائل به تشکیل حکومت در زمان غیبت نبوده و پرداخت وجوهات و دستگیری از نیازمندان را یک امر فردی دانسته و پرداخت وجوهات را به رعایت اولویتی که خود تشخیص می دهند، واگذار می نمایند؛ این نگاه را می توان در قالب نمودار مذکور نمایش داد. این روند که در آن، افراد مستحق جامعه از سه ناحیه مورد حمایت قرار دارند، از دیدگاه سنتی نشأت می گیرد.

این دیدگاه دارای نقاط قوت و ضعفی است. آزادی عمل مکلفین در انتخاب زمینه مصرف وجوهات را عمده‌ترین نقطه قوت آنها باید دانست. آنها مجاز و مختارند که بین افراد مستحق بدون توجه به اولویت، افراد مورد نظر خویش را، جهت ادای دین انتخاب نمایند. از دیگر محاسن این نوع توزیع آن است که ارتباط گسترده‌تر جامعه مکلف را با جامعه مستحق فراهم می‌سازد و این ارتباط علاوه بر تعاملات مثبت، بستر بسیار مناسبی در افزایش آستانه تحمل تفاوت‌های موجود برای یک زندگی مسالمت‌آمیز است. تعمیق این تعامل، اعتمادی را در طرفین فراهم خواهد ساخت تا بخشی از کارها به افراد دریافت‌کننده کمک واگذار گردد و این اعتماد در جهت توانمندسازی و یا حداقل در پیشگیری از بدتر شدن وضعیت افراد پایین دست، بسیار مؤثر خواهد بود و تقویت نوعی احساس ترحم ناشی از وابستگی را هم باید به آن افزود.

اما ضعف عمده این سبک تضمینی، یکنواخت و یکسان نبودن مقدار کمک‌ها، نسبت به همه نیازمندان است. بعضی از نیازمندان ممکن است مجال برخورداری از حداقل کفاف را نداشته و بعضی دیگر بیش از سهمشان از امکانات بهره‌مند گردند. ضعف دیگر آن، فقدان نظارت و کنترل و آمار است. عدم رعایت اولویت‌ها با توجه به منابع محدود، ضعف دیگری است که خود می‌تواند زمینه‌ساز اسراف در رفتار بخشی از جامعه گردد.

اما قائلین به تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت، بالاحض امام خمینی (ره) در رابطه با کارکرد وجوهات نظر موسع‌تری دارند: «اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌های که داریم یعنی خمس و زکات اداره شود. تعیین بودجه‌ای به این هنگامی دلالت دارد بر اینکه منظور، تشکیل حکومت و اداره کشور است که برای عمده حوایج مردم و انجام خدمات عمومی اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی (این مالیات‌ها را) قرار داده است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۴). گر چه امام (ره) از این نظر خود عدول کرد ولی قدر مسلم نظر ایشان این است که برای تأمین حداقل سطح معیشت نیازمندان، می‌توان از وجوهات استفاده کرد و در این جا استناد به نظر حضرت امام برای بلامانع بودن زمینه مصرف آن است. با این نگاه به وجوعات شرعی، می‌توان چارچوب چرخه وصول و مصرف وجوهات را در جامعه اسلامی در نمودار ۲ ترسیم کرد:

نمودار شماره (۲): روند توزیع وجوهات مبتنی بر دیدگاه جدید



این رویکرد که مبتنی بر دیدگاه جدید اندیشه دینی است، علاوه بر داشتن بخشی از مزایای شیوه توزیع سنتی، به نوعی فاقد ضعف‌های مترتب بر آن نیز می‌باشد. اما قوت برجسته این رویکرد، همان ارتباط تعریف شده منابع درآمدی طبقه نیازمند با منابع عمومی جامعه است. در این روش، پس از تعریف پایه درآمدی در حد تأمین نیاز متعارف نیازمندان، تأمین کسری آن از منابع عمومی صورت گرفته و مازاد بر نیاز عرفی آن نیز در بستر تولید کالاهای عمومی به جامعه تزریق می‌شود. این خود می‌تواند عامل مهمی در تعدیل فاصله طبقاتی جامعه محسوب گردد. نظر حضرت امام(ره) که خمس و زکات را منبع و مالیات اصلی حکومت اسلامی می‌داند، کاملاً در این الگو محقق می‌گردد. در این رویکرد اداره جامعه مد نظر است، نه یک فرد یا انجام وظیفه شرعی فردی؛ بر همین اساس تعامل اصولی که بین منابع وجوهی و نیازهای جامعه ایجاد می‌شود، استفاده بهینه از وجوهات را حداکثر می‌سازد (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۵).

با توجه به آن چه گفته شد، برآورد منابع بالقوه وجوهات در جامعه از طریق بررسی هزینه‌ها و درآمدهای خانوار به ما کمک می‌کند تا تناسب وجوهات بالقوه را با نیازهای جامعه مورد سنجش قرار دهیم. با عنایت به دو دیدگاهی که تحت عناوین سنتی و جدید در حوزه اندیشه فقهی، قابل مشاهده است به نوعی می‌توان در دیدگاه سنتی معیار تعلق وجوهات را نصاب درآمد

مازاد بر هزینه خانوار دانست که حدی برای هزینه ها قائل نیست و سقف هزینه‌های خانواده، معیاری برای معافیت درآمد آن خانواده از تعلق وجوهات است. اما در نگاه جدید که به نوعی تقدم و اصالت با جامعه است، نگاه به وجوهات از منظر فقر و متعلق دانستن آن به اداره عمومی جامعه صورت می‌گیرد. لذا احتمالاً می‌توان چنین برداشت کرد که ملاک و مبنای محاسبه وجوهات همان، خط فقر است. یعنی یک سطح یکسانی برای همه خانواده‌ها تعریف می‌شود و مازاد بر آن سطح، مستلزم تخمیس و تزکیه است. از آنجائی که این نوشته، در مقام داوری نسبت به این دو نظر نبوده و تنها تعیین رابطه وجوهات بالقوه جامعه با نیاز خانواده‌های نیازمند را مد نظر دارد، جهت دستیابی به میزان کفایت این وجوهات برای رفع فقر از هر دو منظر یعنی درآمد و هزینه در جامعه مورد مطالعه به آن پرداخته شده است.

یافته‌ها

مشخصات جامعه نمونه آماری

شهر شال قزوین که به عنوان جامعه نمونه آماری انتخاب شده، براساس آخرین برآورد جمعیتی مرکز آمار ایران، دارای جمعیتی به تعداد ۱۵ هزار نفر در قالب ۳۳۵۰ خانوار است. در این پژوهش جامعه نمونه آماری به تفکیک مشاغل موجود در آنجا و به صورت کاملاً تصادفی از هر گروه شغلی انتخاب شده و ده درصد از سرپرست‌های خانوارهای ساکن در شال مورد بررسی و پرسش واقع شده‌اند. در شال، سرپرستی خانوار برای خانم‌ها که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، مقطعی بوده و از استمرار برخوردار نیست.

همان طوری که یافته‌های مندرج در جداول بدست آمده نشان می‌دهد، تنها ۱/۶ درصد از سرپرستان خانوار در جامعه نمونه آماری را زن و ۹۸/۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. مشاغل را در شال می‌توان به سه بخش سنتی، صنعتی و عمومی تقسیم کرد. مشاغل سنتی شال که عموماً شامل باغداری و دامداری می‌باشد، از یک پیشینه بسیار درخشان برخوردار است؛ اما عوامل و تحولات مختلف در چهار دهه گذشته، فعالیت این حوزه مهم را با بحران جدی تا مرز نابودی مواجه ساخته است و سهم آن را از نزدیک ۱۰۰ درصد به ۲۹/۳ درصد تقلیل داده است. مشاغل صنعتی در شال که اولین جرقه‌های آن به دهه پنجاه برمی‌گردد، مربوط به احداث و بهره‌برداری از کوره‌های هوفمن تولید آجر فشاری می‌شود. در ردیف‌های ۶، ۹ و ۱۰ که این به این بخش تعلق دارند، تنها ۱۹/۶ درصد جمعیت جامعه مورد مطالعه ما را تشکیل می‌دهند.

اما بخش سوم که به مشاغل عمومی مربوط می‌شود، در گذشته یک شغل فرعی در حاشیه مشاغل سنتی به حساب می‌آمد و فاقد طبقه یا صنف مستقل بود، در حالی که امروزه به اقتضای شرایط زمانی به یک صنف مقتدر و تأثیرگذار تبدیل شده است. این صنف که شامل ردیف‌های ۱، ۷، ۸ و ۱۱ می‌شود، به تنهایی ۴۸/۱ درصد جمعیت جامعه ما را تشکیل می‌دهد. ۵۷/۴ درصد خانوارها هنوز تحت پوشش هیچ بیمه‌ای قرار نگرفته‌اند و تعداد ۱۸/۹ درصد آنها تنها بیمه خدمات درمانی دارند. در جامعه آماری ما نیز همانند سایر جوامع سنتی، فرزند زیاد خصوصاً فرزندان ذکور به عنوان پوشش آتی خانواده از لحاظ نیروی کاری یا حمایت در پرجمعیت کردن خانواده بی‌تأثیر نیست، اما فقدان آگاهی لازم در زمینه مشکلات یک خانواده گسترده با توجه به شرایط موجود را نیز باید به آن افزود. بر این اساس بسیاری از والدین دوران کهنوت خود را با فرزندانشان سپری می‌کنند و یا بعضی از فرزندان ذکور پس از تأهل با همسر و فرزندان خود با خانواده پدری زندگی کرده و عضوی از اعضای خانواده پدری محسوب می‌گردند و این فرهنگ، عامل مهمی در پر جمعیت بودن بعضی از خانواده‌هاست که تأثیر آن در وضعیت مسکن جامعه مورد مطالعه ما کاملاً مشهود و ملموسی خواهد بود. البته این فرهنگ از لحاظ محل سکونت مهندسی خاص خود را می‌طلبد که عموماً مجتمع‌نشینی، فاقد چنین ویژگی‌های مهندسی است. در جامعه آماری ما میانگین تعداد خانوار ۶ نفر و بیشترین فراوانی متعلق به خانوارهای ۴ یا ۶ نفر می‌باشد.

مشکل مسکن در مناطق کوچک، بسیار کمتر و قابل تحمل‌تر از شهرهای بزرگ می‌باشد. در جامعه مورد مطالعه ما مشکل مسکن در پائین‌ترین سطح خود قرار دارد و تنها کمتر از ۱۰ درصد جمعیت با مشکل مسکن مواجه است. این فرصت ناشی از فرهنگ خاص جامعه مورد مطالعه ماست که اجمالاً به آن اشاره شد. بسیاری از فرزندان ذکور، پس از تأهل نیز در خانه پدری خود ساکن می‌شوند و مشکل مسکن برایشان حاد نیست.

جدول شماره ۱- وضعیت پرداخت وجوهات

| درصد | تعداد | پرداخت خمس |
|------|-------|------------|
| ۴۵ | ۱۳۵ | بلی |
| ۵۵ | ۱۶۵ | خیر |
| ۱۰۰ | ۳۰۰ | جمع |

اگر اعلام نظر افراد مبنی بر پرداخت وجوهات را نشاندهنده اعتقاد عملی آنها به وظایف شرعی در این رابطه بدانیم، باید بگوییم ۴۵ درصد افراد مورد مطالعه وجوهات خود را پرداخت می‌کنند. بقیه یا مشمول نبوده و شرایط تعلق آن را ندارند یا به این وظیفه شرعی التزام ندارند. البته روشن است در این تحقیق محاسبات براساس ۴۵ درصد از افراد سؤال شده که جواب مثبت داده‌اند، صورت گرفته است و اینکه چرا ۵۵ درصد جوابشان منفی بوده، در این تحقیق مدنظر نیست.

در زمینه پرورش حیوانات از قبیل گاو، گوسفند، بز و اسب، شال تا اوائل دهه پنجاه یکی از پرآوازه‌ترین مناطق کشور محسوب می‌گردید. چون صدها هزار رأس گوسفند شال که شهرت جهانی داشت در آنجا پرورش و نگهداری می‌شد، اما همه عوامل دست بدست هم داد تا آن سرمایه عظیم و ارزشمند اعم از تجارب پرورش و نگهداری دام و نسل منحصر به فرد گوسفند شال به بوته فراموشی سپرده شود.

مبنا قرار گرفتن درآمد در محاسبه وجوهات

اگر خط فقر را مطابق با اعلام دولت جمهوری اسلامی که در اعطای مستمری کارکنان بازنشسته خود به کار گرفت، مبلغ دویست هزار تومان تعریف کنیم (بهرام پناهی، ۱۳۸۵: ۶۴)، در جامعه آماری ما درآمد خانوارها طبق جدول شماره ۲ از ردیف ۱ تا ۴ که شامل تعداد ۲۰ خانوار معادل ۷ درصد جامعه آماری ما را تشکیل می‌دهد، درآمدی پایین‌تر از خط فقر خواهند داشت. از ردیف ۵ به بعد کلیه خانوارها با رده‌های مختلف درآمدی در بالای خط فقر قرار می‌گیرند. با مبنا قرار دادن خط فقر در جامعه آماری خود، با مبلغ ۱۰۴۳۳۳۱ تومان کسری درآمد در تعداد ۲۰ خانوار مواجه خواهیم بود. زیرا اگر پایه درآمدی خانواده را مبلغ دویست هزار تومان در نظر بگیریم، می‌بایست درآمد ماهیانه ۲۰ خانوار برابر با مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ تومان باشد، در حالی که کل درآمد ماهانه ۲۰ خانوار در حال حاضر مبلغ ۲۹۵۶۶۶۹ تومان می‌باشد و کسری درآمد ۲۰ خانوار تا سطح خط فقر یعنی ما بالتفاوت این دو رقم، مبلغ ۱۰۴۳۳۳۱ تومان خواهد بود. با تقسیم آن به ۲۰ خانوار، سرانه کسری درآمد ماهیانه خانوارهای جامعه آماری ما مبلغ ۵۲۱۶۷ تومان می‌گردد. در حالیکه ۹۳ درصد از خانوارها دارای درآمدی بیش از مبلغ دویست هزار تومان بوده و در بالای خط فقر قرار دارند. زیرا این جمعیت که شامل ۲۸۰ خانوار است، اگر پایه درآمدی یعنی همان مبلغ دویست هزار تومان در ماه را از درآمد ماهیانه خود کسر نماید، مبلغ مازاد درآمدی

آنها ماهیانه بالغ بر ۳۷۷۵۸۳۳۲ تومان خواهد شد. با این وصف می توان پایه درآمدی را در جامعه آماری ما تا ردیف ۷ یعنی ۱۱۷ خانوار معادل ۴۱/۱ درصد جامعه تا مبلغ ۳۲۲۳۸۳ تومان بهبود بخشید و سهم ۵۸/۹ درصد مابقی خانواده‌ها را صرف تولید کالاهای عمومی کرد. نگاه به وجوهات از منظر درآمدی جامعه نشان‌دهنده آن است که نه تنها تأمین کسری درآمد خانوارها تا سطح خط فقر، بلکه بسیار بالاتر از آن به سهولت ممکن خواهد بود.

جدول شماره ۲- میزان درآمد ماهیانه خانوار

| میزان درآمد | تعداد خانوار | درصد | درآمد جمعی | میان | سنگین |
|-----------------|--------------|------|------------|---------|---------|
| ۰-۲۰۰۰۰ | ۱ | ۰.۳ | ۰.۳ | ۰.۰۰۰۰ | ۰.۰۰۰۰ |
| ۲۰۰۰۰-۴۰۰۰۰ | ۴ | ۱.۷ | ۱.۷ | ۴۰۰۰۰ | ۸۰۰۰۰ |
| ۴۰۰۰۰-۶۰۰۰۰ | ۶ | ۲.۵ | ۲.۵ | ۸۰۰۰۰ | ۱۲۰۰۰۰ |
| ۶۰۰۰۰-۸۰۰۰۰ | ۱۹ | ۸.۷ | ۱۱.۷ | ۹۳۳۳۳ | ۱۷۰۰۰۰ |
| ۸۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰ | ۲۹ | ۱۱.۷ | ۲۳.۴ | ۸۰۰۰۰ | ۲۳۰۰۰۰ |
| ۱۰۰۰۰۰-۱۲۰۰۰۰۰ | ۱۱ | ۵.۳ | ۱۳.۵ | ۱۰۰۰۰۰ | ۱۲۰۰۰۰ |
| ۱۲۰۰۰۰۰-۱۴۰۰۰۰۰ | ۳۳ | ۱۶.۲ | ۳۹.۷ | ۱۲۰۰۰۰ | ۱۴۰۰۰۰ |
| ۱۴۰۰۰۰۰-۱۶۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۱۴.۱ | ۱۴۰۰۰۰ | ۱۶۰۰۰۰ |
| ۱۶۰۰۰۰۰-۱۸۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۵۶.۷ | ۱۶۰۰۰۰ | ۱۸۰۰۰۰ |
| ۱۸۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰۰ | ۱۹ | ۹.۳ | ۳۸.۰ | ۱۸۰۰۰۰ | ۲۰۰۰۰۰ |
| ۲۰۰۰۰۰۰-۲۲۰۰۰۰۰ | ۱ | ۰.۳ | ۲۰.۳ | ۲۰۰۰۰۰ | ۲۰۰۰۰۰ |
| ۲۲۰۰۰۰۰-۲۴۰۰۰۰۰ | ۱۱ | ۵.۳ | ۲۶.۴ | ۲۲۰۰۰۰ | ۲۴۰۰۰۰ |
| ۲۴۰۰۰۰۰-۲۶۰۰۰۰۰ | ۶ | ۲.۹ | ۳۲.۳ | ۲۴۰۰۰۰ | ۲۶۰۰۰۰ |
| ۲۶۰۰۰۰۰-۲۸۰۰۰۰۰ | ۱۳ | ۶.۳ | ۴۵.۶ | ۲۶۰۰۰۰ | ۲۸۰۰۰۰ |
| ۲۸۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰۰ | ۴ | ۱.۹ | ۴۷.۵ | ۲۸۰۰۰۰ | ۳۰۰۰۰۰ |
| ۳۰۰۰۰۰۰-۳۲۰۰۰۰۰ | ۲ | ۰.۹ | ۴۹.۷ | ۳۰۰۰۰۰ | ۳۲۰۰۰۰ |
| ۳۲۰۰۰۰۰-۳۴۰۰۰۰۰ | ۱ | ۰.۳ | ۵۰.۰ | ۳۲۰۰۰۰ | ۳۴۰۰۰۰ |
| ۳۴۰۰۰۰۰-۳۶۰۰۰۰۰ | ۳ | ۱.۴ | ۵۱.۷ | ۳۴۰۰۰۰ | ۳۶۰۰۰۰ |
| ۳۶۰۰۰۰۰-۳۸۰۰۰۰۰ | ۱۱ | ۵.۳ | ۵۶.۸ | ۳۶۰۰۰۰ | ۳۸۰۰۰۰ |
| ۳۸۰۰۰۰۰-۴۰۰۰۰۰۰ | ۶ | ۲.۹ | ۶۰.۷ | ۳۸۰۰۰۰ | ۴۰۰۰۰۰ |
| ۴۰۰۰۰۰۰-۴۲۰۰۰۰۰ | ۳ | ۱.۴ | ۶۳.۰ | ۴۰۰۰۰۰ | ۴۲۰۰۰۰ |
| ۴۲۰۰۰۰۰-۴۴۰۰۰۰۰ | ۱۱ | ۵.۳ | ۶۸.۱ | ۴۲۰۰۰۰ | ۴۴۰۰۰۰ |
| ۴۴۰۰۰۰۰-۴۶۰۰۰۰۰ | ۱۹ | ۹.۳ | ۷۷.۴ | ۴۴۰۰۰۰ | ۴۶۰۰۰۰ |
| ۴۶۰۰۰۰۰-۴۸۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۸۱.۷ | ۴۶۰۰۰۰ | ۴۸۰۰۰۰ |
| ۴۸۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۹۸.۷ | ۴۸۰۰۰۰ | ۵۰۰۰۰۰ |
| ۵۰۰۰۰۰۰-۵۲۰۰۰۰۰ | ۱۹ | ۹.۳ | ۱۱۸.۰ | ۵۰۰۰۰۰ | ۵۲۰۰۰۰ |
| ۵۲۰۰۰۰۰-۵۴۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۱۲۷.۳ | ۵۲۰۰۰۰ | ۵۴۰۰۰۰ |
| ۵۴۰۰۰۰۰-۵۶۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۱۴۳.۳ | ۵۴۰۰۰۰ | ۵۶۰۰۰۰ |
| ۵۶۰۰۰۰۰-۵۸۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۱۵۲.۶ | ۵۶۰۰۰۰ | ۵۸۰۰۰۰ |
| ۵۸۰۰۰۰۰-۶۰۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۱۶۹.۶ | ۵۸۰۰۰۰ | ۶۰۰۰۰۰ |
| ۶۰۰۰۰۰۰-۶۲۰۰۰۰۰ | ۱۹ | ۹.۳ | ۱۸۸.۹ | ۶۰۰۰۰۰ | ۶۲۰۰۰۰ |
| ۶۲۰۰۰۰۰-۶۴۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۱۹۷.۲ | ۶۲۰۰۰۰ | ۶۴۰۰۰۰ |
| ۶۴۰۰۰۰۰-۶۶۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۲۱۴.۲ | ۶۴۰۰۰۰ | ۶۶۰۰۰۰ |
| ۶۶۰۰۰۰۰-۶۸۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۲۲۳.۵ | ۶۶۰۰۰۰ | ۶۸۰۰۰۰ |
| ۶۸۰۰۰۰۰-۷۰۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۲۴۰.۵ | ۶۸۰۰۰۰ | ۷۰۰۰۰۰ |
| ۷۰۰۰۰۰۰-۷۲۰۰۰۰۰ | ۱۹ | ۹.۳ | ۲۵۹.۸ | ۷۰۰۰۰۰ | ۷۲۰۰۰۰ |
| ۷۲۰۰۰۰۰-۷۴۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۲۶۸.۱ | ۷۲۰۰۰۰ | ۷۴۰۰۰۰ |
| ۷۴۰۰۰۰۰-۷۶۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۲۸۵.۱ | ۷۴۰۰۰۰ | ۷۶۰۰۰۰ |
| ۷۶۰۰۰۰۰-۷۸۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۲۹۴.۴ | ۷۶۰۰۰۰ | ۷۸۰۰۰۰ |
| ۷۸۰۰۰۰۰-۸۰۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۳۱۱.۴ | ۷۸۰۰۰۰ | ۸۰۰۰۰۰ |
| ۸۰۰۰۰۰۰-۸۲۰۰۰۰۰ | ۱۹ | ۹.۳ | ۳۳۰.۷ | ۸۰۰۰۰۰ | ۸۲۰۰۰۰ |
| ۸۲۰۰۰۰۰-۸۴۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۳۳۹.۰ | ۸۲۰۰۰۰ | ۸۴۰۰۰۰ |
| ۸۴۰۰۰۰۰-۸۶۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۳۵۶.۰ | ۸۴۰۰۰۰ | ۸۶۰۰۰۰ |
| ۸۶۰۰۰۰۰-۸۸۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۳۶۵.۳ | ۸۶۰۰۰۰ | ۸۸۰۰۰۰ |
| ۸۸۰۰۰۰۰-۹۰۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۳۸۲.۳ | ۸۸۰۰۰۰ | ۹۰۰۰۰۰ |
| ۹۰۰۰۰۰۰-۹۲۰۰۰۰۰ | ۱۹ | ۹.۳ | ۴۰۱.۶ | ۹۰۰۰۰۰ | ۹۲۰۰۰۰ |
| ۹۲۰۰۰۰۰-۹۴۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۴۱۰.۹ | ۹۲۰۰۰۰ | ۹۴۰۰۰۰ |
| ۹۴۰۰۰۰۰-۹۶۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۴۲۷.۹ | ۹۴۰۰۰۰ | ۹۶۰۰۰۰ |
| ۹۶۰۰۰۰۰-۹۸۰۰۰۰۰ | ۹ | ۴.۳ | ۴۳۷.۲ | ۹۶۰۰۰۰ | ۹۸۰۰۰۰ |
| ۹۸۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰ | ۳۵ | ۱۶.۸ | ۴۵۴.۲ | ۹۸۰۰۰۰ | ۱۰۰۰۰۰۰ |
| میان | ۶۶ | ۳.۲ | ۱۰۰ | ۱۰۰۰۰۰ | ۱۰۰۰۰۰۰ |
| جمع | ۳۰۰ | ۱۰۰ | ۳۰۰۰۰۰ | ۱۰۰۰۰۰۰ | ۱۰۰۰۰۰۰ |

مبنا قرار گرفتن هزینه‌ها در محاسبه وجوهات

هزینه‌های ضروری خانوارها، محک و معیار دیگری است تا درآمدهای خانوار را به آن معطوف و مازاد بر آن را مشمول وجوهات دانست. این روش که با دیدگاه سنتی پرداخت وجوهات انطباق بیشتری دارد، اصالت فرد در آن از غلظت قابل توجهی برخوردار است، چون ملاک و معیار محاسبه و پرداخت وجوهات را فاضل مؤونه (مازاد هزینه) خانواده می‌داند. اگر از این منظر نیز وضعیت نیازمندان جامعه را نسبت به وجوهات شرعی مورد بررسی قرار دهیم، باز هم رقم قابل قبولی در پایه درآمدی خانوارهای جامعه آماری ما بدست خواهد آمد.

در جدول شماره ۲، هزینه‌های ضروری نشان‌دهنده این واقعیت است که ۲۵ درصد جامعه آماری ما دچار صرفه‌جویی و امساک الزامی شده تا هزینه‌های ضروری خود را در حد درآمد خویش که زیر خط فقر است، حفظ نماید. با افزایش درآمد اینگونه خانوارها از محل وجوهات، می‌توان سطح زندگی را به استاندارد داخلی رسانید. در این جدول میانگین هزینه خانوار مبلغ ۳۳۹۴۳۵ تومان می‌باشد. اگر همین مبلغ را پایه هزینه‌ای سرانه خانوار قرار دهیم، مبلغ مورد نیاز برای تأمین جامعه مورد بررسی ما ۱۰۱۸۳۰۵۰۰ تومان خواهد بود که با کسر آن از درآمد کل جامعه (که در جدول شماره ۲ آمده) و پس از محاسبه وجوهات مازاد آن می‌توان درآمد مورد نیاز آنها را از محل وجوهات متعلقه پوشش داد. اگر از مبلغ ۲۴۷۷۴۸۳۳۰ تومان درآمد مبلغ ۱۰۱۸۳۰۵۰۰ تومان هزینه‌ها کسر و ما به تفاوت آن تخمیس گردد، مبلغ ۲۹۱۸۳۵۶۶ تومان وجوهات آن خواهد شد در حالی که افزایش هزینه سطح زندگی ۴۹ درصد از خانوارهای جامعه آماری ما تنها به مبلغ ۲۰۰۸۲۶۲۹ تومان درآمد جهت ارتقای سطح زندگی نیازمند است. این رقم با میانگین مبلغ ۳۲۲۳۸۳ تومان پایه درآمدی خانوارها که در جدول شماره ۲ بدست آمده، تطابق معقول و قابل قبولی دارد.

جدول شماره ۳- هزینه‌های ضروری ماهیانه خانوار

| هزینه ضروری | تعداد | درصد | درصد نسبی | مبلغ | میانگین |
|---------------|-------|------|-----------|-----------|---------|
| اثرات نوبان ۱ | ۸ | ۳٫۷ | ۳٫۷ | ۵۲۴۵۰۱ | ۶۵۵۶۳ |
| ۳۰۰ تا ۹۰۰ | ۶۷ | ۲۲٫۳ | ۳۰ | ۱۰۶۸۱۳۳۳ | ۱۵۹۱۶۸ |
| ۳۰۰ تا ۳۰۰ | ۷۳ | ۲۴ | ۴۹ | ۱۸۰۶۰۳۳۳ | ۲۰۷۷۸۳ |
| ۳۰۰ تا ۳۰۰ | ۶۱ | ۲۰٫۳ | ۶۹٫۳ | ۲۳۳۳۳۰۰ | ۳۸۲۲۱۶ |
| بیش از ۳۰۰ | ۹۰ | ۳۰٫۷ | ۱۰۰ | ۴۸۶۷۶۶۳۰ | ۵۴۰۹۰۷ |
| جمع | ۳۰۰ | ۱۰۰ | . | ۹۰۱۸۳۰۵۰۰ | ۳۰۹۴۳۰ |

یکی از منابع دستگیری از نیازمندان در جامعه دینی، کمک‌های مستحبی شهروندان به عناوین مختلف است. شاید هیچگونه آمار و ارقام دقیقی برای این گونه کمک‌ها وجود نداشته باشد، چون در جایی ثبت و ضبط نمی‌گردد. اما آنچه که محرز است این کمک‌ها در جامعه ما مبلغ قابل توجهی را تشکیل می‌دهد زیرا کمک‌های مستحبی جامعه آماری ما که ۷۰ درصد خانوارها در آن مشارکت دارند، به صورت سرانه نسبت به خانواده‌های زیر خط فقر بیش از کسری درآمد لازم برای پوشش نیاز آنهاست. از آنجائیکه در جدول شماره ۲ کل کسری اعتبار جهت پوشش نیازمندان جامعه مورد مطالعه ما تنها مبلغ ۱۰۴۳۳۳۱ تومان بود که با بخش آن بر ۲۰ خانوار کم درآمد، سرانه‌ای به مبلغ ۵۲۱۶۷ تومان بدست می‌آید، در حالیکه میانگین کمک‌های مستحبی جامعه مورد مطالعه ما مبلغ ۸۸۰۶ تومان بوده که با تخصیص آن به خانواده‌های کم درآمد رقم سرانه به مبلغ ۱۳۲۰۸۳ تومان خواهد رسید که این موضوع بیانگر وجود مشکل جدی در توزیع اینگونه کمک‌ها در جامعه پژوهشی ماست.

جدول شماره ۴- هزینه کمک‌های مستحبی

| هزینه کمک | نمونه | درصد | درصد جمع | مبلغ | مبلغ کل |
|-------------------|-------|------|----------|--------|---------|
| هزینه نوبان | ۸۳ | ۲۷٫۷ | ۳۷٫۷ | - | - |
| نوبانی کمک‌نمایند | ۷ | ۲٫۳ | ۳- | - | - |
| تأسیسات ۲۰ هزار | ۲۰۰ | ۶۸٫۳ | ۹۸٫۳ | ۲۶۶۲۰۰ | ۱۰۳۰۴ |
| تأسیسات ۵۰ هزار | ۲ | ۰٫۷ | ۱۰۰ | ۵۹۹۶۲ | ۱۰۳۸۳۳ |
| جمع | ۳۰۰ | ۱۰۰ | - | ۳۶۴۱۶۲ | ۸۸۰۶ |

بررسی و تحقیق انجام شده چه از منظر درآمدی یا هزینه‌ای، بیانگر این واقعیت است که پایه درآمد خانوارهای جامعه مورد مطالعه ما پس از وصول کامل و توزیع دقیق وجوهات شرعی، بالای سیصد هزار تومان خواهد شد.

نتیجه

در گذشته تعریف محدود از امنیت، وظایف حکومت را به حفاظت از مردم در مقابل تجاوز بیگانگان و راهزنان محدود می‌ساخت، اما تعریف موسع از امنیت امروزه وظایف حکومت را در تأمین حداقل امکانات در تمامی حوزه‌ها، گسترش داده تا افراد فارغ از جنس، نژاد، رنگ و گرایش خود بتوانند با طیب خاطر به زندگی مسالمت آمیز بپردازند. تحقق این امنیت برای شهروندان در سایه حکومت دینی که هم از اسلامیت و هم از جمهوریت بهره می‌برد، هم سهل و هم دشوار است. دشواری آن ناشی از مسئولیت سنگین مربوط به دین و دنیای مردم و سهولت آن حاصل فرصت‌های متعدد و غنی بوده که در اختیار حکومت قرار می‌دهد. گسترش مشکلات فزاینده قشرهای کم درآمد با افزایش شکاف بین فقر و غنا، مستلزم نگاه جدیدی است تا از منظری دیگر به این مشکلات نگریسته و راهکار نوینی را برای حل و فصل آنها برگزیند. با بررسی منابع حیانی و روایی و برداشت‌های مختلف فقهی و تحقیقات میدانی می‌توان زاویه جدیدی را برای پرداختن به این موضوع گشود و صورت مسئله را از ملاحظات سیاسی و اجتماعی و یا حس نوع‌دوستی به سمت حق و حقوق افراد در حوزه عمومی سوق داد تا افراد به سطح قابل قبولی از تأمین اجتماعی حتی بدون حاجت به کار در جامعه به شرط این

که توانایی کار کردن نداشته باشند، برخوردار باشند.

در حکومت اسلامی علاوه بر قوانین موضوعه و پشتوانه‌های اخلاقی، بستری بسیار مهم و مؤثر تحت عنوان ارزش‌های اعتقادی وجود دارد که در رعایت و تأمین حقوق حاجتمندان جامعه نقش کلیدی خواهد داشت که نه تنها هیچ‌گونه تضاد و تناقضی با بخش‌های مثبت بازار ندارد، بلکه نگاه اسلام به فعالیت‌های اقتصادی افراد دارای نکته بسیار ظریفی است که عدالت به معنای واقعی در آن تبلور می‌یابد. منابع حاصل از وجوهات شرعی که ناشی از سهم افراد در منابع عمومی است همراه با درآمد بدست آمده از فعالیت خود آنها، زمینه ادغام اجتماعی را هر چه بهتر فراهم می‌سازد. منابع عمومی در تمام سطوح از نظر اسلام متعلق به همه افراد جامعه است. آنهایی که از این فرصت عمومی بهره‌ای می‌جویند یقیناً سهمی از دستاوردهای آن منابع، به دیگر صاحبان آن تعلق خواهد داشت که با جوامع غیرمسلمان که این گونه موارد را «مسئله بهره‌مندی از مزایا بدون پرداخت هزینه» می‌دانند (راجرتریک، ۱۳۸۴: ۲۲۰)، کاملاً متمایز است. در چنین جامعه‌ای که شهروندانش از دسترنج خویش، سهمی را برای قشر کم درآمد به عنوان سهمی از عوامل عمومی متعلق به آنها در خلق درآمد خویش می‌بینند و خود را موظف و مکلف به تأدیه آن می‌دانند، مشکل منابع را که از مهمترین چالش‌های پیش روی نظام رفاهی جهان در اجرای سیاست‌های رفاهی است، رفع و هیچ الزامی را برای قشر خاصی جهت تأمین منابع لازم، خارج از ادای حق دیگران پدید نمی‌آورد. پرداخت بی‌قید و شرط آن علاوه بر افزایش سطح کمی خدمات، کیفیت آن را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و خط فقر را در جامعه نسبی و شناور خواهد ساخت، تا وضعیت زندگی نیازمندان جامعه را متناسب با رشد توانمندی‌های متمولین آن جامعه ارتقا بخشد یعنی بطور سیستماتیک از پویایی کمی و کیفی طبقه بالای جامعه، طبقات پایین‌تر جامعه را متأثر سازد تا مایه تعادل و مانع شکاف طبقاتی در جامعه گردد. مطالعه میدانی حاضر صحت فرضیه مذکور را در جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد و تأیید می‌کند که اگر منابع مالی بالقوه مربوط به وجوهات شرعی شناسایی، گردآوری و سازماندهی گردد، برای تأمین اجتماعی به معنای رفع فقر، کفایت می‌کند. بدیهی است نتایج این تحقیق مشروط به فروض تحقیق (یعنی به صورت قراردادی درآمد مازاد بر خط فقر را مشمول خمس دانستن و صرف آن صرفاً در جهت رفع فقر و نه مصارف دیگر) است و بدیهی است با تغییر فروض تحقیق نتایج کمی متفاوت خواهد بود.

منابع

- آژینی، محسن (۱۳۷۴)، *امام و اقتصاد اسلامی*، تهران: مؤسسه کیهان.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، ابی جعفر محمد (۱۳۶۷)، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه: صدر بلاغی.
- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، *وضع مالی و مالیه مسلمین*، تهران: انتشارات سروش.
- ادوارد ج. گرب (۱۳۷۳)، *نابرابری اجتماعی*، ترجمه: محمد سیاهپوش، تهران: معاد، چاپ دوم.
- اسکلیر، لزی (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی نظام جهانی*، ترجمه: علی هاشمی گیلانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- انصاری، محمد جواد و دیگران (۱۳۷۸)، *درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، تهران: سمت.
- باری، نورمن (۱۳۸۰)، *رفاه اجتماعی*، ترجمه دکتر سید اکبر میرحسینی و سیدمرتضی نوربخش، تهران: انتشارات سمت.
- برانت، کریستینا (۱۳۸۳)، *دولت رفاه و حمایت‌های اجتماعی*، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- بروسی، کوئن (۱۳۷۸)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نوتیا، چاپ هفتم.
- بونولی، جولیانو و دیگران (۱۳۸۰)، *دولت رفاه در اروپا*، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۸۰)، *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- تافلر، الوین (۱۳۷۷)، *موج سوم*، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران: انتشارات مهارت، چاپ دوازدهم.
- تریک، راجر (۱۳۸۴)، *فهم علم اجتماعی*، ترجمه: شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشرنی.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷)، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق و پاورقی: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: مکتبه اسلامیه.
- خمینی (امام)، سیدروح‌الله (۱۳۵۹)، کتاب البیع، قم: چاپ مهر.
- خمینی (امام)، سید روح‌الله (۱۳۷۴)، *تحریر الوسیله*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- خمینی (امام)، سید روح‌الله (۱۳۷۷)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهقان، اکبر (۱۳۷۸)، *زکات در اسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- روزبهان، محمود (۱۳۷۴)، *مبانی توسعه اقتصادی*، تهران: انتشارات تابان، چاپ دوم.
- ری کیلی، فیل مار فیل (۱۳۸۰)، *جهانی شدن و جهان سوم*، ترجمه حسن نورائی بیدخت، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲)، **توسعه و نابرابری**، تهران: مازیار.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۳)، **آسیب شناسی اجتماعی**، تهران: انتشارات آوای نور.
- شرمین و وود (۱۳۸۱)، **دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی**، ترجمه: مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات کیهان، چاپ چهارم.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۰)، **اقتصاد ما**، ترجمه: محمد کاظم موسوی، تهران: انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی.
- طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۳۹۰ق)، **مستمسک العروة الوثقی**، نجف اشرف: مطبعه الاداب.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۸۱)، **عروة الوثقی (غایة القصوى فی ترجمه عروة الوثقی)**، ترجمه: شیخ عباس قمی، قم: صبح پیروزی.
- فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۱)، **نظریه رفاه**، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قافی، حسین (۱۳۸۵)، **اصول فقه کاربردی**، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- کاوی، استفان (۱۳۸۰)، **هفت عادت مردان موفق**، ترجمه: گیتی خوشدل، تهران: نشر آگاه.
- کوین، کلی (۱۳۷۸)، **معیارها و قواعد جدید در اقتصاد نوین**، ترجمه محمود طلوع مکانیک، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کیوان، وحید (۱۳۷۶)، **جهانی شدن جدید سرمایه‌داری و جهان سوم**، تهران: نشر توسعه.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، **تاریخ فقه و فقها**، تهران: سمت، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، **سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، **معنای مدرنیت**، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم.
- ماینونی دینتینانو، بناتریس (۱۳۸۰)، **بیمه‌ها و حمایت‌های اجتماعی**، ترجمه: ایرج علی‌آبادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، **اسلام و نیازهای زمان**، قم: صدرا، چاپ نوزدهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، قم: صدرا، چاپ چهل و هشتم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸ق)، **علل گرایش به مادگرایی**، قم: انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
- منتظر ظهور، محمود (۱۳۵۴)، **اقتصاد، خرد و کلان**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۳ق)، **کتاب الزکاه**، قم: نشر التفکر.
- موسایی، میثم (۱۳۸۶ب)، تأثیر اعتقاد به منع اسراف در مخارج مصرفی (مطالعه موردی شهر یزد)، فصلنامه علمی - پژوهشی **اقتصاد اسلامی**، سال هفتم / شماره ۲۶. تابستان ۱۳۸۶ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران.

- موسایی، میثم (۱۳۷۹)، «پژوهشی درباره ربا و کاهش قدرت خرید پول»، مجله علمی - پژوهشی **نامه علوم اجتماعی**، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۱۵ تابستان ۱۳۷۹.
- موسایی، میثم (۱۳۸۴)، «بررسی ادله جبران کاهش ارزش پول»، مجله علمی پژوهشی **پژوهشنامه بازرگانی** شماره ۳۴ بهار ۱۳۸۴.
- موسایی، میثم (۱۳۸۶ الف)، بررسی رضامندی مستمری بگیران تأمین اجتماعی تهران بزرگ، نشریه علمی - پژوهشی **نامه علوم اجتماعی** دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دوره پانزدهم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۶.
- موسایی، میثم (۱۳۸۶ ج)، میزان اسراف و رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای در اصفهان، نشریه علمی - ترویجی **راهبرد یاس** شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۶.
- موسایی، میثم (۱۳۸۷)، انفاق و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آن، فصلنامه علمی - پژوهشی **اقتصاد اسلامی**، سال هفتم / شماره ۳۰. تابستان ۱۳۸۷، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران.
- موسوی غروی، محمدجواد (۱۳۷۷)، **فقه استدلالی در مسائل خلافی**، ناشر: اقبال و مؤلف.
- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۹۸ ق.)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تهران: دارالکتب اسلامیة.
- هیرید، علی (۱۳۵۲)، **بحثی درباره مسائل اقتصادی اسلام (زکات)**، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.